روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ویکم ■ شماره ۸۷۱۳

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین

■ حضرت امیر المؤمنین علی ع:
اسلام روشن‌ترین راه و آشکارترین مسلک‌هاست، علائم راهش بلند، جاده‌هایش روشن و چراغ‌هایش درخشانند.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۸ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۴۴
■ اذان مغرب: ۱۸:۰۲ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۶
■ اذان صبح فردا: ۵:۲۸ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۵۳

صفحه آخر

چون نقش غم ز دور ببینی شراب خواه
تشخیص کرده‌ایم و مداوا مقرر است
حافظ

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰
■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷
■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

گرینویچ

جلیقه صورتی‌های شیردل

در ساعت‌هایی از شب یا حتی روز، قدم گذاشتن در خیابان دشوار است. یکی از دلایل مهم آن هم خلوتی خیابان و یا ناامن بودن آن به دلایل مختلف است. اما اگر بدانید یک نفر یا یک گروه، همیشه حواسش به ما هست و نمی‌گذارد بترسیم چطور؟ احتمالا در آن شرایط، خیابان به یکی از محبوب‌ترین نقاط برای گشت و گذار، خرید، پیاده‌روی و... تبدیل می‌شود. در گوشه‌ای از دنیا عده‌ای زن شیردل قرار است امنیت خیابان را برای دیگران فراهم کنند.

ارتش کوچکی موسوم به جلیقه صورتی‌ها در شهر نیوکاسل شب‌ها برای گشتزنی به خیابان می‌آیند تا امنیت کوچه را فراهم کرده و افراد جا مانده در گوشه‌های مختلف شهر را به خانه یا مکان امن دیگری برسانند.

نیوکاسل به شهر مهمانی شهرت دارد؛ اما آخر هفته‌ها گاهی اتفاقات ناخوشایندی در آن به‌وقوع می‌پیوندد که از آن جمله می‌توان به قتل دو دختر به نام‌های سارا اورارد و سابینا نساء در سال گذشته میلادی اشاره کرد.

این ارتش کوچک اما کارآمد که با عنوان مخفف WSWN شناخته می‌شود، با ۵۰نفر داوطلب و یک ون کار خود را آغاز کرده است. روی ون این گروه، چشم‌هایی داخل قلب‌های مشکی با پس‌زمینه صورتی تند و کمی خشن نقاشی شده که بیانگر مفهوم مراقبت و مواظب در خطر است. این ون شب‌هنگام در کوچه‌های نیوکاسل گشتزنی کرده، شرایط را زیرنظر گرفته و به افرادی که نیازمند کمک هستند- به‌ویژه زنان- امدادرسانی می‌کند. علاوه بر اینکه بی‌خانمان‌ها را به مراکز امن منتقل کرده و به نقاط خاصی مانند رستوران‌ها، هتل‌ها و... نیز سرکشی می‌کند. ون جلیقه صورتی‌ها به نمادی برای امنیت در شهر تبدیل شده و پلیس این شهر نیز از راه‌اندازی چنین گروهی استقبال کرده و با آنها همکاری‌های لازم را انجام می‌دهد.

یکی دیگر از فعالیت‌های این گروه، همکاری با تاکسی محلی Budget Taxi است. به این معنی که این گروه پس از یافتن نیازمندان به کمک، با همراهی این تاکسی محلی، آنها را به هر محلی که لازم باشد، منتقل می‌کنند. هزینه این تاکسی نیز برای این منظور رایگان است.

ون گروه جلیقه‌صورتی‌ها با هزینه ۱۰هزار پوند و با کمک‌های مردمی خریداری شده است. مکان استقرار این ون، میدان سنت‌نیکلاس و در کنار خودروی آمبولانس است. این مکان امن مجهز به خدمات تماس با تاکسی محلی، مجهز به امکان نوشیدن آب و دیگر نوشیدنی‌های غیرالکلی، انواع تنقلات و شارژ تلفن همراه است.

به‌گفته بت دان، کارمند خیریه و یکی از همکاران این گروه، بعضی از شب‌ها، شب‌های پرحادثه‌ای هستند اما پیام‌های تشکر روز بعد از نجات‌یافتگان یا آنهایی که به هر شکل به آنها کمک شده، باعث رفع خستگی گروه و دلگرمی آنها به ادامه کار می‌شود. او می‌گوید: «اگرچه هدف اصلی امدادرسانی جلیقه‌صورتی‌ها، زنان هستند، اما برای امدادرسانی جنسیت شرط اصلی نیست و هر کسی که نیازمند کمک باشد، دست او را می‌گیریم.»

ون WSWN، ابتدا در میدان میدلزبورو مستقر شد و سپس شهر نیوکاسل نیز مجهز به این ون شد. قرار است این ون و گروه جلیقه‌صورتی در شهرهای دیگر بریتانیا نیز راه‌اندازی شود که در قدم بعدی ۲شهر منچستر و ادینبورگ قرار دارند.

بوک مارک

نیمه غایب

حسین سناپور

نمی‌توانست بایستد یا روبرگرداند. کوچه باغ‌ها تند از کنارش می‌گذشتند و کسی خیلی جلوتر از او، با موهای بلند تاب خور، پیراهن گلدار بلند، می‌رفت و مدام پشت هر پیچ پنهان می‌شد. هراس داشت اما کنجکاوی یا چیزی دیگر پیش می‌بردش. یا او نمی‌رفت و کوچه‌های باریک پیچ درپیچ می‌آمدند و می‌گذشتند. غورغور با طنینش انگار برخاسته از اعماق دهلیز یا غاری، همانطور او را به‌خود می‌خواند. رو برنمی‌گرداند. نمی‌توانست. ناگهان دیدش؛ پشت یک پیچ ایستاده بود. صورت سفید و مات، انگار صورتک زده بود، دست‌ها را دراز کرده بود سویش. خودش بود؛ غریبه و ترسناک.

دیالوگ

سوییتی تاد

تیم برتون

دو نوع از انسان وجود داره و فقط دو نوع؛ اونی که منتظر می‌مونه تا توی جای درستش قرار بگیره و اونی که با پاهاش روی صورت دیگران میره!

برای کودکان و آرزوهایشان

فاطمه عباسی

این روزها - همین سی‌واندی روز باقی‌مانده تا عید - سرِ گروه‌های مردمی و خیریه‌ها، حسابی شلوغ است. همان کسانی که دلشان می‌خواهد، شادی در هوا پخش شود و کسی را بی‌نصیب نگذارند. آدم‌ها دور هم جمع می‌شوند و پول و اجناسی تهیه می‌کنند تا افراد نیازمند و محروم هم در حال و هوای عید، دلشان کمی خوش باشد و لبخند بیاید روی لب‌هایشان. این وسط عده‌ای هم خلاقیت به خرج می‌دهند و به جز کارهای معمول، کاری می‌کنند کارستان. یکی از همین خلاقیت‌ها، برآورده کردن آرزوی بچه‌هایی است که رویایشان را روی کاغذ نقاشی می‌کنند. شاید درباره‌اش شنیده باشید، چند سالی است که بعضی از خیریه‌ها، از بچه ها می‌خواهند که آرزوها و تفکرات خود را در نقاشی هایشان بکشند؛ همان‌هایی که سخت‌تر حرف می‌زنند و با صحبت کردن، چندان راحت نیستند. بعد هم نقاشی‌ها را روانشناسی می‌کنند که خب معمولا هم نتایج حیرت آوری به‌دست می‌آورند. تفاوت نقاشی کودک ۵ساله‌ای که در شمال تهران آرامش، آسایش و رفاه را تجربه می‌کند، با نقاشی کودکی که در روستایی در سیستان و بلوچستان زندگی می‌کند یا کودکان کار یا کم‌برخوردار، آنقدر شگفت انگیز است که این اطمینان را به افراد می‌دهد که باید کاری انجام داد. رویاها مرز ندارند و بچه‌ها هر آنچه دوست دارند را می‌کشند و خیران هم دست به‌کار می‌شوند تا بچه‌ها به آرزوهایشان برسند. یکی دوست دارد دوچرخه یا هواپیما داشته باشد، یکی دلش عروسک می‌خواهد و دیگری هم آرزو می‌کند یک دست لباس قشنگ به تن کند. آرزوها خیلی زود برآورده می‌شوند، پیش از آنکه بچه‌ها دم عید به‌خاطر نداشته هایشان غمگین شوند. بعضی از خیریه‌ها هم نقاشی بچه‌ها را می‌گذارند در نمایشگاه برای فروش و عایدی‌اش را برای بچه ها، خرج می‌کنند. خلاصه اینکه این روزها برای آنهایی که نقش کودکی و رؤیا بر کاغذ را تعبیر می‌کنند روزهای شلوغی است.

طرح: همشهری/ مجید صالحی

معاینه فنی با تعمیرگاه زنانه

حالا دیگر هیچ‌کدام‌مان از اینکه ببینیم زن‌ها هم در شغل‌هایی که همیشه تاریخ به اسم مردها سند خورده بود، فعالیت می‌کنند و اتفاقا موفق هم هستند، متعجب نمی‌شویم. یکی از این شغل‌ها مکانیکی است. معمولا مکانیک زن کم دیده‌ایم اما هستند دختران و زنانی که در بعضی از مکانیکی‌ها در کنار مردان کار می‌کنند و کارشان هم خوب است. همه این ها را گفتیم که بگوییم؛ در شهر تهران نخستین تعمیرگاه تخصصی بانوان راه‌اندازی شده و تمامی مکانیک هایش هم بانوان هستند. این تعمیرگاه در مرکز معاینه فنی غرب تهران راه‌اندازی شده است. آن طور که مسئولان می‌گویند: در این مرکز، روزانه ۷۰۰ دستگاه خودرو در مراجعه اول پذیرش می‌شوند که از این تعداد، حدود ۱۸۰ دستگاه خودرو در آزمون‌های معاینه فنی مردود شده و نیازمند مراجعه به بخش تعمیرگاهی، جهت رفع ایراد هستند. از خودروهای دارای نقص فنی هم بیش از ۳۰ درصد یعنی تعداد ۵۵ دستگاه خودرو متعلق به بانوان است که نظرسنجی انجام شده در مراکز معاینه فنی شهر تهران نشان می‌دهد که بخش زیادی از مراجعه‌کنندگان بانو به بخش تعمیرگاهی مراکز به‌منظور رعایت موازین، سهولت در ارتباط و احساس امنیت و اعتماد بیشتر، تمایل به استفاده از یک فضای کاری مختص به بانوان را دارند. بنابراین این تعمیرگاه تخصصی ایجاد شده و قرار است نمونه‌اش در تمامی مراکز فنی راه‌اندازی شود. کلیه تعمیرکاران این واحد، تعمیراتی از میان بانوان متخصص انتخاب شده‌اند و در این تعمیرگاه تلاش شده تا کلیه خدمات عمومی سریع خودرویی مثل تعویض روغن و بازدید ترمز به مراجعه‌کنندگان بانو ارائه شود و در ضمن این واحدهای تعمیرگاهی، علاوه بر ارائه خدمات به مراجعه‌کنندگان مرکز، برای استفاده عموم بانوان هم آزاد بوده و ساعت فعالیت آن بیشتر از ساعت کاری مرکز برنامه‌ریزی شده است.

اول آخر

شبانه‌های خیال‌انگیز و برفی تهران/ عکس: علیرضا معصومی

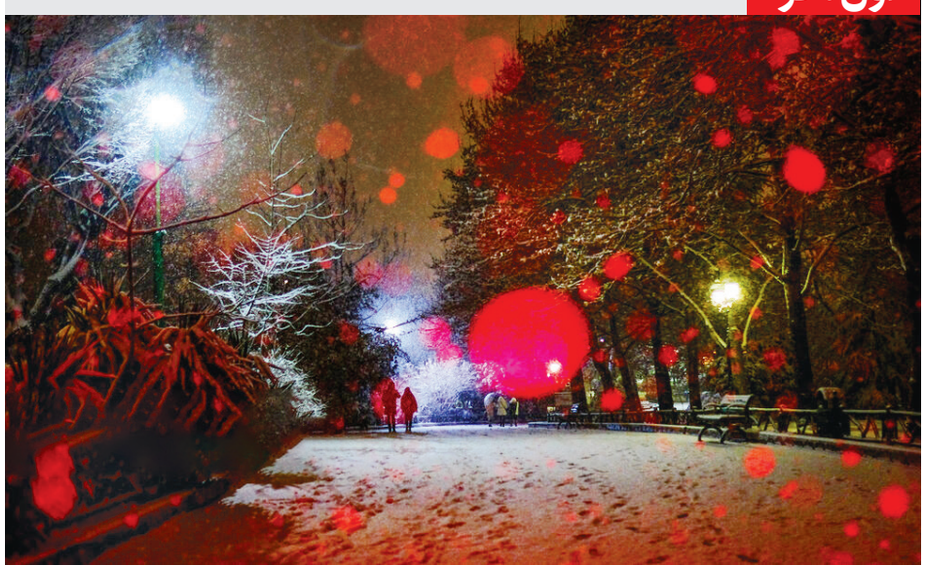

زندگی خوب

زندان بازیافتی

مهتاب خسروشاهی

فرض کنید دیگر زندانی وجود نداشته باشد. فرض کنید دیگر زندانی‌ای وجود نداشته باشد و فرض کنید تمام آن زندانیان سابق، شغل خوبی داشته باشند. فرض کنید یکی از ترسناک‌ترین زندان‌های جهان به مکانی پر از امید، آرامش و کار تبدیل شود. حتی خواندن این چند خط و تصور کردن این رؤیا، لبخند به لب آدمی می‌آورد اما قرار است این رؤیا در شهر نیویورک به واقعیت تبدیل شود. هیجان‌انگیز نیست؟ یکی از خطرناک‌ترین و مرگبارترین زندان‌های جهان در حال تبدیل شدن به مرکزی برای تولید انرژی‌های پاک تجدیدپذیر است. اما مهم‌تر اینکه، زندانیان سابق برای اشتغال در بخش تولید انرژی‌های پاک در این زندان، آموزش خواهند دید.

مجموعه زندان‌های از رده خارج شده شهر نیویورک در جزیره رایکرز، قرار است میزبان چنین اتفاق خوشایندی باشند. این جزیره به مساحت ۴۰۰هکتار، بین برانکس و کوئینز واقع شده و حدود ۵۷۰۰نفر زندانی -اکثر زندانیان شهر نیویورک- را در خود جای داده است. طی سال گذشته میلادی، ۱۹زندانی در این زندان جان باختند. به همین دلیل در سال ۲۰۲۲میلادی، رایکرز به یکی از مرگبارترین زندان‌های طی دهه گذشته شناخته شد. این زندان قرار است تا سال ۲۰۲۷میلادی از کاربری زندان خارج شده و زندانیان آن به ۴ مکان جدید منتقل شوند. اما پس از خروج این زندان از وضعیت کنونی، این مکان به مرکزی برای تولید انرژی پاک تبدیل شده و زندانیان سابق در آن مشغول به‌کار خواهند شد. همراه با تغییر کاربری این زندان، نیروگاه‌های خطرساز برق و تصفیه فاضلاب در محله‌های محروم برانکس و کوئینز جمع‌آوری شده و به این ترتیب ۱۸۲هکتار زمین نیز برای استفاده عموم آزاد خواهند شد. استفاده از پنل‌های خورشیدی و تاسیسات فاضلاب جدید نیز از دیگر طرح‌های این پروژه عظیم است. پس از تغییر کاربری زندان، بخش‌های جدیدی مانند کارخانه کمپوت‌سازی، مرکز بازیافت زباله و یک مؤسسه تحقیقاتی- آموزشی نیز به آن اضافه خواهد شد. در واقع علاوه بر آموزش مهارت نصب تجهیزات خورشیدی به زندانیان سابق، عده دیگری از آنها نیز پس از آموزش در این مراکز جدید فعالیت خواهند کرد. این طرح علاوه بر کاهش تعداد زندانیان، تعطیل‌شدن یکی از خطرناک‌ترین زندان‌ها، فرصتی را برای همراهی شهر نیویورک با کاهش تولید کربن فراهم می‌کند. طرح تبدیل این زندان به کاربری جدید را می‌توان الگوبرداری از عملکرد کشور هلند دانست. به این معنی که کشور هلند با کاهش چشمگیر تعداد زندانیان خود، بسیاری از زندان‌ها را به مراکزی چون سالن‌های اجتماعات، مدرسه، مراکز پناهندگان و... تبدیل کرده است.

موج خوب

به بهانه روز جهانی رادیو

حکایت یک مجالست عزیز

مریم ساحلی

کنار تختش یک لیوان آب نیم‌خورده بود و یک ورق قرص مسکن و رادیوی جیبی. در و دیوار خانه می‌دانستند که پیچ موج رادیو، سال‌هاست که عطر انگشت‌های خاتون را به جان کشیده است؛ خاتونی که صبح به صبح، اول همدمش را روشن می‌کرد و بعد شعله زیر کتری آب را. سفره صبحانه با همراهی صدای رادیو پهن می‌شد و بعدش اهل خانه راهی مدرسه و محل کار می‌شدند؛ و تنها او می‌ماند و جعبه سخنگو. همه ساعت‌هایی که رفت‌وروب می‌کرد، غذا می‌پخت، دوخت و دوز می‌کرد یا زیر آفتاب می‌نشست تا استخوان‌هایش رمق تازه پیدا کنند، رادیو روشن بود.

لمبه‌های سقف خانه خاتون از آن دورتر هم یادشان است. آن سال‌ها که هر شب بی‌صبرانه چشم انتظار قصه شب بود؛ یا بعدتر وقتی که قد کشیده بود و مرغ دلش را به آوازها و آواهای سازها می‌سپرد. خاتون دیگر نیست اما همه آنهایی که می‌شناسندشان می‌دانند رادیوی جیبی، یک عمر انیسش بود و در همه این سال‌ها حواسش بود تا ۴ باتری قلمی نو همیشه در خانه داشته باشد.

شاید حالا در روزگاری که داده‌ها با سرعتی شگفت مرزها را درمی‌نوردند و بر صفحه گوشی‌های همراه، آدمی را به‌خود می‌خوانند؛ یا شبکه‌های تلویزیونی با تنوع و تعدد بالا می‌توانند ساعت‌های متمادی، توجه و سلایق مختلف را به خویش جلب کنند؛ تجسم عزت و احترامی که زمانی جعبه سخنگو داشت، دشوار باشد. اما واقعیت این است که در گذشته‌ای نه چندان دور، رادیو بسیار عزیز بوده است و آنها که سن و سالی را پشت سر گذاشته‌اند، اخبار تلخ و شیرین بسیاری را از زبان گویندگان رادیو شنیده‌اند. این روزها، جوان‌ها شاید نقش این مجالست در زندگی بزرگ‌ترها و درگذشتگان‌شان را درنیابند ولی این همنشینی، به تار و پود سال‌هایی که گذشت و شاید برای بعضی همچنان در این سال‌ها پیوند خورده است.

راستی کسی چه می‌داند حجم اندوه و اضطراب پدران و مادران چشم‌انتظار، اندر حوالی رادیوهای کوچک و بزرگ، در سال‌های جنگ تا چه اندازه بوده است؟

و یا چه کسی می‌داند پیامی امیدناک که از رادیویی فرسوده به گوش یک راننده تاکسی خسته می‌رسد تا چه اندازه می‌تواند از زندگی نشان داشته باشد؟

خوش‌خبر

درمان داوطلبانه دام‌های عشایر

حتما می‌دانید که شغل اصلی عشایر، دامپروری است و دام‌ها حکم سرمایه را برای این مردمان دارند؛ به همین دلیل هم درمان دام‌ها اهمیت زیادی برای عشایر دارد، اما خیلی از آنها در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور زندگی می‌کنند و درصورت بروز بیماری، تا زمانی که دامپزشک به منطقه سکونت‌شان برسد، ممکن است دام‌های زیادی را از دست بدهند. خوشبختانه نیروهای جهادی این بار در استان خوزستان و در مناطق محروم و صعب‌العبور بخش چلو شهرستان اندیکا، رزمایش جهاد دامپزشکی قرارگاه محرومیت‌زدایی را به اجرا درآورده‌اند تا خدمات بهداشتی و درمانی دام عشایر منطقه از قبیل واکسیناسیون، ویزیت و درمان را به‌صورت رایگان انجام دهند. تا حالا هم بیش از ۵۰هزار رأس دام سبک و سنگین و ارائه آموزش و ترویج کنترل بیماری‌های دامی به عشایر ارائه شده است. در این رزمایش ۳روزه، ۶۰نفر از نیروهای جهادی و کارکنان ادارات شهرستانی به ارائه خدمات بهداشتی و درمانی برای دام عشایر منطقه پرداختند و به‌جز نیروهای جهادی، اکیپ‌هایی متشکل از شبکه‌های دامپزشکی شهرستان‌های دزفول، مسجدسلیمان، شوشتر، لالی و باوی به منطقه اعزام شدند؛ ضمن اینکه از ظرفیت دیگر ارگان‌های دولتی و غیردولتی، ازجمله هلال‌احمر، ناحیه بسیج دانشجویی استان خوزستان، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، بنیاد علوی و بسیج مهندسین کشاورزی سپاه حضرت ولیعصر(عج) هم برای تسریع خدمت‌رسانی به این مناطق استفاده شد. در آینده، اردوهای جهادی در سایر نقاط استان نیز برگزار خواهد شد.

پارک مخصوص دانش‌آموزان

پارک‌های علم و فناوری چند سالی است که در بسیاری از شهرها ساخته شده‌اند و روزبه‌روز هم بر تعدادشان افزوده می‌شود. خروجی این پارک‌ها هم تولید ثروت و کمک به رونق اقتصادی با کمک نخبگان و دانش‌آموختگان است. حالا خبر خوب اینکه در کنار این پارک‌های علم و فناوری، قرار است در استان مرکزی پارک دانش‌آموزی نیز ایجاد شود. آنطور که رئیس پارک علم و فناوری استان می‌گوید، به‌خاطر اهمیت به‌کارگیری جوانان و متخصصان در امور اجرایی کشور، این پارک دانش‌آموزی به‌زودی تاسیس خواهد شد تا در سایه آن دانش‌آموزان بیاموزند چطور از معلومات خود در راستای خلق ثروت و پیشرفت علمی کشور استفاده کنند. به هر حال یکی از مشکلات جوانان بعد از پایان تحصیلاتشان، پیدا کردن شغل مناسب با مدرک تحصیلی دانشگاهی و تخصص‌شان است و خیلی از این افراد بعد از اتمام تحصیل به‌دنبال شغل و کارآفرینی هستند. این فرصت در مجموعه پارک علم و فناوری فراهم است تا ایده‌های فناور جوانان بررسی و به‌عنوان یک هسته فناور به آنان خدمت‌رسانی شود. این امر می‌تواند آینده‌ای باشد برای دانش‌آموزانی که در پارک دانش‌آموزی آموزش می‌بینند و در آینده هم مشکلی برای فعالیت در شغل مناسب‌شان نخواهند داشت. تاکنون هم بیش از ۱۴۰۰فرصت شغلی برای متخصصان با مدرک دکتری، کارشناسی‌ارشد و کارشناسی در این استان از طریق پارک علم و فناوری ایجاد شده است. پارک علم و فناوری استان مرکزی در چندماه اخیر ۳۸میلیارد تومان به شرکت‌های دانش‌بنیان حمایت‌های مالی پرداخت کرده است و شرکت‌های دانش‌بنیان توانسته‌اند از تسهیلات و حمایت‌های صندوق نوآوری و شکوفایی بنیاد برکت و بنیاد علوی استفاده کنند.

مسجدی که میزبان بی‌خانمان‌هاست

امسال دومین سالی است که مسجد قبای اصفهان در شب‌های سرد و استخوان‌سوز زمستان با گرمای محبت و کرامت از کارتن‌خواب‌ها میزبانی می‌کند. این مسجد دومین سال از اجرای طرح «خانه پدری» خود را در حالی پشت‌سر می‌گذارد که امام جماعت آن در خط مقدم میدان دعوت از کارتن‌خواب‌ها حضور دارد و توجه به آسیب‌های اجتماعی را از جمله رسالت‌های خود می‌داند. امسال با توجه به سرمای زودرس، اجرای طرح خانه پدری و اسکان مردمی کارتن‌خواب‌ها در مصلای نمازجمعه مسجد قبا واقع در شمال شهر اصفهان از دی‌ماه آغاز شده و تا ۱۷ اسفندماه ادامه دارد. امام جمعه مسجد قبا معتقد است که روحانیت نسبت به آسیب‌های اجتماعی رسالت دارد و براساس وظیفه فرهنگی و اجتماعی که بر دوش خود احساس می‌کند، شخصا برای دعوت از این افراد وارد میدان شده و به‌صورت حضوری و چهره به چهره از این بندگان خدا برای میزبانی از آنها دعوت می‌کند تا این امر به یک جریان و فرهنگسازی تبدیل شود. به‌طور میانگین هر شب ۳۵نفر به مسجد می‌آیند و پس از پذیرش، به مهمانان لباس نو اهدا می‌شود و لوازم نظافت و استحمام در اختیار آنها قرار می‌گیرد و اصلاح سروصورت هم توسط آرایشگران جهادی انجام می‌شود. همچنین مشاوره این افراد بسیار پررنگ‌تر و به‌صورت جدی دنبال می‌شود و علت وضعیت و شرایط آنها توسط مشاوران تخصصی که چندین ساعت با آنها وقت می‌گذرانند واکاوی می‌شود تا اگر مشکلات آنها مربوط به اعتیاد است، به کمپ‌های ترک اعتیاد معرفی شوند. درصورت مشکلات خانوادگی هم به مشاوران خانواده ارجاع داده می‌شوند و درصورت نداشتن شغل برای آنها زمینه اشتغال فراهم می‌شود تا با این رویه از چرخه کارتن‌خوابی خارج شوند و به زندگی عزتمندانه بازگردند.

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می بینید. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۲۰۲۳۶۳۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.